



گزینه رهبری و عملکرد کمیسیون تحقیق خبرگان

آیت‌الله سیدمحمدعلی موسوی جزایری، عضو مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با دیدبان ایران درباره مجلس خبرگان رهبری و کمیسیون بررسی مصادیق رهبری گفت: «[چنین کمیسیونی نیست بلکه] همه خبرگان. این چیز بسیار محرمانه‌ای است که قابل طرح نیست در سطح جامعه». موسوی جزایری درباره اینکه «الان در مخالفان جمهوری اسلامی ایده‌ای مطرح است که کسی که فقیه باتجربه و شناخته‌شده که باید جایگزین رهبری باشد، در رسانه‌ها مطرح نیست» گفت: «نباید هم باشد، برای این که ترورش می‌کنند. هر کسی که احتمال دهند، اسرائیل و آمریکا که نامزد شده برای رهبری، به هر طوری که شده، خودشان را می‌رسانند و ترورش می‌کنند و لذا این صدرصد محرمانه است و بهیچ وجه نباید مطرح شود. این بسیار کار غلطی است و به این معنا است که ما گوشت را بدهیم دست گربه. وی درباره جایگزین رهبری و اینکه «آیا الان گزینه‌ای داریم؟» جواب داد: «داریم، اولاً خداوند طول عمر و سلامتی به رهبر عزیزمان بدهد... پیگیری‌های ایشان در مسائل مختلف، این‌ها همه مدیون این مرد بزرگوار است، این انسانی که واقعاً غیرت ملی اش بسیار بالاست و غیرت دینی اش بسیار بالاتر است و این نعمتی است که خداوند کرامت کرده به این کشور و من امیدوارم ان‌شاءالله خدا طول عمرشان بدهد و خبرگان هم دیگر کاری نداشته باشد و با وجود شریف ایشان، سایه‌شان مستدام باشد، ولی خبرگان هم باید باشند، چرا؟ این مسئله موت یک چیز مسلمی است و هیچ کسی هم از آن استثنایی نباشد.»

این عضو مجلس خبرگان رهبری همچنین درباره «آیت‌الله» خوانده شدن مقام رهبری پس از جانشینی امام خمینی تعریف کرد: «آن روز تا نزدیک به مغرب که ما در جلسه بودیم و الحمدلله به کمال خوبی و خوشی و شوق و احساسات این مسئله به پایان رسید، الحمدلله و همه هم اعلام بیعت و وفاداری کردند به آیت‌الله خامنه‌ای، بیرون آمدیم از مجلس و یک سالن دیگری که معمولاً آن‌جا نماز می‌خواندیم، من در نماز مغرب بودم که یک‌دفعه به ذهنم رسید که این مسئله که حالا چند دقیقه هم بیشتر نماند به وعده خبر و اخبار، معمولاً هم کلمه حجت‌الاسلام را به کار می‌برند و این هیچ مناسب نیست با جایگاه رهبری ایشان آیت‌الله خامنه‌ای، از دید ما هم ایشان یک مجتهد مسلم است و در شأن او است آیت‌الله، این به ذهن من رسید و من خیلی نگران شدم که اگر بعد از رهبری بخواهند حجت‌الاسلام بگویند، بسیار دون شأن و نامناسب است. نماز که تمام شد، بلافاصله قلم و کاغذ برداشتم و نوشتیم خطاب به آقای محمد هاشمی‌رفسنجانی که آن موقع رئیس صداوسیما بود؛ از طرف خبرگان نوشتیم، معمولاً پیشنهادی که از طرف خبرگان بود، پنج امضا برایش کافی بود، ۵ امضا یا ۱۰ امضا، ولی پنج امضا هم کافی بود. خود من اولین نفر امضا کردم. آیت‌الله مشکینی رئیس ما بود، یعنی رئیس مجلس خبرگان بود و آقای مشکینی هم بسیار استقبال کرد و خوشحال شد و قلمش را هم درآورد و امضا کرد.»



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاسی

تا برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تنها سه روز دیگر فرصت باقی است. انتخاباتی که به عقیده بخش قابل توجهی از فعالان سیاسی از اقبال چندانی به‌رغم تأکید سران نظام و دعوت پیوسته به مشارکت در انتخابات برخوردار نخواهد بود. هر چند که در روزهای گذشته با انتشار ویدئوهایی در رسانه‌ها و فضای

مجازی و نمایش حضور مردم در ستادهای انتخاباتی، تلاشی برای نشان دادن گرم بودن انتخابات در فضای مجازی انجام شد، اما چند تصویر ویدئویی مبنای اظهارنظر در این زمینه نخواهد بود. اگر چه که شرکت در انتخابات یک رکن دموکراسی است و تعلق خاطر مردم به تعیین سرنوشت کشورشان را تقویت می‌کند، اما برای تعیین این سرنوشت مقدمات و الزاماتی لازم است که پیش از هر چیز برنامه‌ریزان و مسئولان امر باید آنها را مدنظر قرار دهند. فضای سیاسی و اجتماعی کشور به‌خوبی نشان می‌دهد که پاسخ ندادن به درخواست‌های مدنی، معیشتی و اقتصادی مردم در سراسر کشور طی سال‌های اخیر، مدنیت امر انتخابات را با یک بحران بی‌سابقه و فراتر

از آنچه پیشتر با نظارت استصوابی و رصلاحت‌ها رقم خورده بود، رویه‌رو کرده است؛ اعتراضاتی که بی‌جواب مانده‌اند، معیشتی که به سختی تامین می‌شود، نظارتی که سختگیرانه است و مردمی که تمایلی برای شرکت در انتخابات ندارند. در واقع مردم اعتراض خود را به وضع موجود با بی‌توجهی به حق انتخاب خود بر نهاد قانون‌گذاری در کشور نشان داده‌اند. بسیاری بر این باورند که مجلس دیگر در رأس امور اساسی کشور نیست و بر تصویب طرح‌ها و لوایحی همت گماشته است که یا در تقابل با دیدگاه بخشی از مردم بود و یا اولویت اول آنها نبود. مردم مصداق این ادعا را در مجلس یازدهم و اصرار نمایندگان آن بر قانونی کردن اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها یا لایحه جنجالی در زمینه حمایت از عفاف و حجاب می‌بینند، یا طرح صیانت از فضای مجازی، یا در طرح الزام به انتشار داده‌ها و اطلاعات، طرح حذف ارز ترجیحی، ممنوع‌الخروجی دانشجویان معترض و افزایش سن بازنشستگی و... دیده‌اند.

دلرسد از تعیین حق سرنوشت

حالا مردم خود را در دورترین فاصله ممکن با امر انتخابات می‌بینند. مشاهدات میدانی در سطح شهر تهران، کمتر نشانی از رنگ و بوی انتخابات را مخابره می‌کند. در بسیاری از شهرهای دیگر نیز بنا به ارتباطی که خبرنگار هم‌میهن طی این روزها با چهره‌های سیاسی استان‌ها داشت، چنین فضایی در بسیاری از حوزه‌های انتخابی آن چنان محسوس نیست. هر چند که در برخی نقاط فضا متفاوت است، در هیچ محفلی خبر از انتخابات و شرکت در انتخابات نیست و گویی مسئله شرکت



عکس: Gettyimages

نگاه کارشناس

امیر محمود حریری چی استاد دانشگاه و جامعه‌شناس تشریح کرد:

نسبت اظهار نظر سیاستمداران و نظرسنجی‌ها با تصمیمات جامعه

امیرمحمود حریری چی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «هم‌میهن» درباره فضای مشارکت جامعه در انتخابات مجلس دوازدهم، نقش احزاب و تأثیر عملکرد نمایندگان در مشارکت مردم در انتخابات توضیحاتی داده است که در ادامه می‌خوانید:

سه روز تا انتخابات مانده است و بحث بر سر میزان مشارکت مردم و احتمال کاهش چشمگیر در انتخابات ۱۱ اسفند همچنان ادامه دارد. تحلیل شما از فضای انتخاباتی در کشور و رفتار مردم در این انتخابات چیست؟

آنچه که الان حس می‌کنم تناقض بیش از حد است. وضعیتی ایجاد شده است که بسیاری از مردم حتی نمی‌دانند که زمان انتخابات است. در کشور ما که معمولاً مجلس و انتخابات آن بسیار مهم بود؛ حالا شاهد آن هستیم که در این روزها انتخابات از آن درجه ارزش سابق افتاده است. شاید اولین دلیلش این باشد که عملکرد نماینده‌ها و قانون‌گذاری‌ها طی ادوار اخیر آنقدر ضعیف بوده که حداقل درباره مجلس اخیر در واقع هیچ کارنامه مورد قبول و اعتنایی ارائه نشده است. اعتبار نماینده مجلس به کارنامه‌ای است که ارائه می‌دهد تا مردم او را بشناسند و سراغ او بروند و انتخاب‌اش کنند و نه مرانامه‌ای که ارائه می‌دهند. اما الان همه احزاب و گروه‌ها مرانامه تدوین و تولید می‌کنند؛ از

درست کرد که باید در مجلس به قانون تبدیل می‌شد اما این اتفاق رخ نداد و با قانون شدن این منشور، وضعیت خیلی متفاوت‌تر از چیزی بود که الان وجود دارد. آیا الان کسانی که می‌خواهند به مجلس بروند در رابطه با حقوق مردم و حقوق شهروندی برنامه‌ای دارند و برای خود تکلیفی در نظر گرفته‌اند؟

بسیاری از افراد مورد مصاحبه معتقد بودند که مجلس دیگر در رأس امور نیست و احزاب نیز جایگاه مشخص و تأثیرگذاری در کشور ندارند که مردم به حرف آن‌ها توجه کنند. همانطور که شما هم اشاره کردید محوریت برنامه‌ها مرانامه‌ای شده است. فکر می‌کنید این دو عامل چه تأثیری در طی سالیانی که از برگزاری انتخابات ادوار مجلس می‌گذرد، در مشارکت مردم در انتخابات داشته است؟

متأسفانه یکی از مسائلی که موجب شده به مرور مشروعیت مجلس تحت‌الشعاع قرار گیرد، بی‌توجهی به خواست مردم در قانونگذاری است. نوعی شده که احساس می‌شود برخی از نمایندگان مردم، خود را سالار مردم می‌بینند و مسئله قدرت نه خدمت برایشان اهمیت یافته است. تصمیماتی که می‌گیرند بدون شناخت مردم است. در همین تهران برخی از نمایندگان حتی به برخی از مناطق این شهر که نمایندگی آن‌ها را برعهده دارند سفر نکرده‌اند و هیچ شناختی از شرایط مردم آن‌ها ندارند و اینها خود را نماینده مردم می‌دانند. افشاگری‌ها و موضوع فساد و مسائل مالی هم موجب کاهش اعتماد مردم شده و مردم را به این سمت می‌برد که در چنین شرایطی آنها که به مجلس می‌آیند نگران جیب و قدرت خودشان هستند نه مردمی که به آنها اعتماد کرده‌اند. آنقدر حرف و حدیث از آن‌ها در بین مردم زیاد است که اعتمادی به وجود نمی‌آید. این همه شهید در کشور برای این بود که مردم می‌خواستند کشور را نگه دارند و آرمان‌هایی که در نظر داشتند را محقق کنند. اگر مسئولین اهل خدمت به مردم باشند، باید بدانند که مردم ثابت کرده‌اند با تمام وجود پشت آن‌ها هستند و می‌توانند سختی‌ها را تحمل کنند، همانطور که در جنگ تحمیلی رخ داد. الان که نامیدی در کشور وجود دارد و آن را سیاه‌نمایی می‌نامند، باید پرسید که مسئولان با سفیدنمایی چه کردند و چه می‌خواهند انجام دهند؟ نماینده‌های ما با مردم فاصله زیادی

نگاه کارشناس